ادامه از صفحه اول

زنده‌دار زنده‌دل را

ناظری که ۲۹ بهمن۱۳۲۸ در شـهر کرمانشاه به دنیا آمده اسـت، بهتر از هرکسـی می‌داند تاریخ این منطقـه از ایران، نشـیب و فرازهای زیادی داشـته و هنرمندانش نیز در کنار اهل سیاسـت در رواج و رشد هویت و زبان‌شان، جهدها کرده‌اند. نخستینِ آن پس از سال ۱۳۰۵، سید علی‌اصغر کردستانی بود که از دیوان شـاعران کُرد (مولوی، وفایی، طاهـر بگ‌جاف) برای رساندن پیام مردمان سرزمینش، نواهایی گفت که اگر آن یک سال، سنندج تبعیدگاه عارف قزوینی نمی‌شد، به یقین صدای سید از نظر عارف و جامعه ایرانی دور می‌مانـد؛ اما آن تحریرهای ملکوتی میـان آواز ایران جای گرفت و سید هم در سال ۱۳۱۵ سر به سینه تراب نهـاد و رفت. در دهه‌های بعد، بـار دیگر هنرمندانی تلاش کردند تا پیام شـاعران سـرزمین مادری‌شان را بازگویند و این بار مرتضی حنّانه، حسن کامکار و حسن یوسف‌زمانی، کاشف آوایی غریب بودند و آن خواننده توانا، کسـی نبود جز مظهر خالقی که ۲۰۰ تصنیف و آواز را با شـعرهایی از نالی، پیره‌مرد، وفایی، شـیرکو، عثمان احمـدی و عابد سـراج‌الدینی که همگی به زبان کردی سـروده بودند، برای موسـیقی اصیل این دیار از خود برجای گذاشت. پس از نقطه عطف تاریخ معاصر ایران و رخداد انقلاب اسـلامی هم موسیقی کردی بار دیگر وجه تمایز و نشـانگر هویت رسـمی کردها و زبان این سـرزمین شـد؛ کامکارها، یوسـف زمانی، فرج‌پوری، سـاعد، عندلیبی‌ها، صدیق تعریف، کیهان کلهر (که این نازنین، سرانجام در پنجاه‌ونهمین جشـنواره گرمی که همین روزها برگزار شد، توانست در کنار گروه جاده ابریشـم به سرپرسـتی یویوما و در بخش بهترین موسـیقی جهانی، نام ایران و موسیقی ایرانی را با گرفتن این جایزه یک بار دیگر جهانی کند)، عباس کمندی، محمدیان، پورناظری‌ها و... هر کدام به نحوی و شـیوه‌ای، این میراث تاریخ معاصر موسیقی و شعر و ادب خطه کردسـتان را حفظ کردند و رواج دادند؛ اما در آن میان، یک مغنی بود که نوایش قصه غریب پریشـانی همه تاریخ بود و گویای اینکه بر سر این مردمان چه‌ها رفت. ناظری وقتی در سالن ورزشی باشگاه انقلاب، چند سال قبل، به همراهی گروه پرتوان کامکارها، هزاران نفر شـنونده او می‌شدند و به زبان کردی، شعر حماسی می‌خواند، گوئی سه‌تارش، راوی همان تاریخ اسـت که شاید از دوران صفویان به بعد را روایـت می‌کنـد؛ یا نه، می‌خواهد بـه گوش هرکه در عالم برسـاند نواهای گم‌شـده هزارتوی تاریخ این سرزمین را... . باید از او قدردان باشیم؛ او که در ترویج و شناخت هویت رسمی مردمان سرزمین مادری‌اش و حفظ میراث زبان شـاعران هم‌زبانش، جهدها کرد و ایـن واقعیتی اسـت که نمی‌تـوان از آن گریخت و می‌توان به سان و لِسـان کردها به وی گفت: «مانده نباشـی!» ناظری به مدد روح بلند و متعالی خود، با بینش و ضمیـر بیدار و جان نجیبی کـه دارد، خوب می‌داند که زندگی چیسـت و او کیست و از کجاست، کجای جهان ایستاده اسـت و با کدام شرایط مادی و معنوی چـه باید کرد و چه نبایـد... . او این معنی را به صاعقه هوش، همت و دل روشـن‌بینش دریافته اسـت و می‌داند که چگونه باید در رود بزرگ و روان آنات میرنده و گذرا، جاودانگی را سِیر کند... . او خوب می‌داند چگونه «خالی هر لحظه را سرشـار باید کرد از هسـتی، زنده باید زیست در آنات میرنده، با خلوص ناب سرمسـتی». او از خود می‌پرسد و از درون خود و کائنات پاسخ می‌گیرد:

«چیست جز این؟
نیست جز این راه،
زنده‌دار زنده‌دل را،
دَم را».

او به‌خوبی، خود را دریافته است... .

و چنین است آنچه از او دیده و شناخته‌ام درونش را در این سال‌های سال... .

امید داریم در چنین راه دشـواری سال‌های دیگر هم در سـلامتی به پویایی و نوآوری در موسیقی ملی و کردی ایران‌زمین، هم‌چنان خلاق و سـرفراز باشد و پایدار بماند در این راه سترگ... .

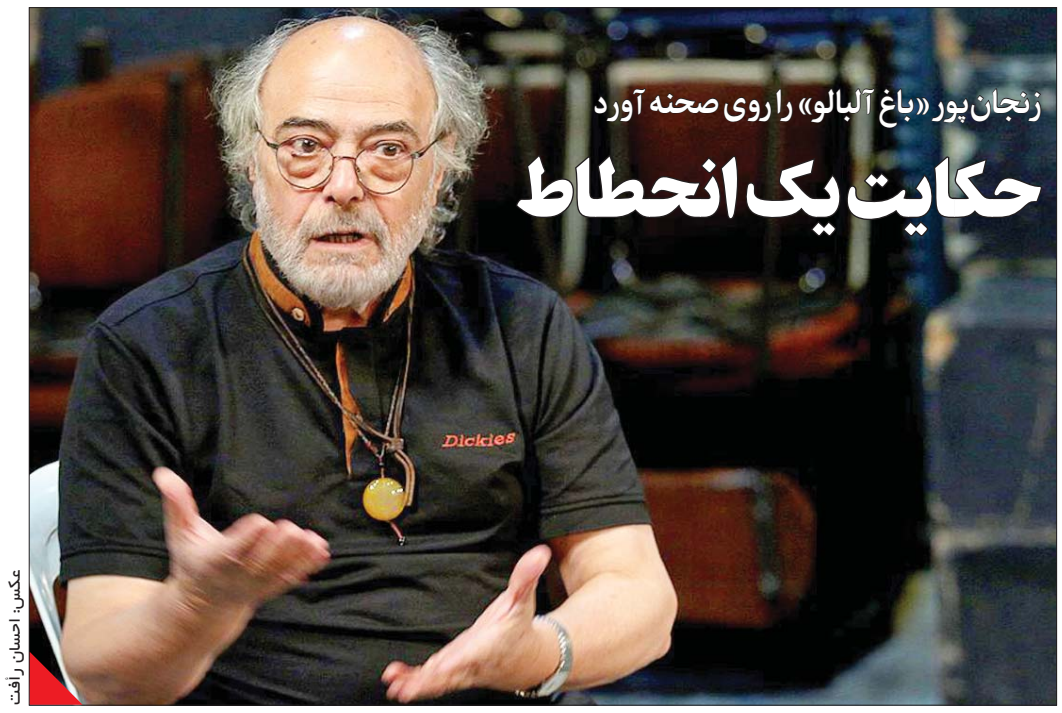

عکس: احسان رافت

زنجان‌پور «باغ آلبالو» را روی صحنه آورد

حکایت یک انحطاط

شـرق: پس از ۲۹ سـال دوباره بر صحنه آمده؛ «بـاغ آلبالو»ی چخوف به روایت اکبر زنجان‌پور. زنجان‌پور این سـال‌ها روایت‌هـای ارزنده‌ای از متون چخوف ارائه داده؛ از «دایی وانیا» و «سه خواهر» گرفته تا «مرغ دریایی». اما «باغ آلبالو» را چرا این همه سال بر صحنه نیاورد؟ سال‌های جنگ و خمپاره، وقتـی خیلی جوان‌تر از امروز بود «باغ آلبالو» را در تالار وحدت روی صحنه برد اما عمر آن نمایش فقط یک شب بود.

شـب دوم در نزدیکی تالار، موشـک زدند و اجرای «باغ آلبالو» به شب دوم نرسیده متوقف شد؛ اجرائی که در آن حمید طاعتی لوپاخین بود، بهروز بقایی پتیا و سـهراب سـلیمی هم فیرز. اما امروز در اجرای «باغ آلبالو» این نقش‌ها را به‌ترتیب محسـن بهرامی، حمیدرضا حیات و کریم اکبری‌مبارکه ایفـا می‌کنند. یـک روز از روزهـای تمرین در کنـار گروه شـاهد تمرین‌ها هسـتیم. ایده‌های ناب زنجان‌پور برای فهم وسـیع‌تر مخاطب از ریزبینی‌ها و نکته‌سـنجی‌های چخوف، که مدام آنها را به بازیگرانش یادآور می‌شـود، شـنیدنی و جذاب است. معمولا گوشه‌ای از پلاتوی رودکی را با دقت تماشا می‌کنـد و بی‌آنکه اجرا را قطع کنـد، نکات را به گروه بازیگرانش گوشـزد می‌کند. در ایـن اجرا بازیگرانی همچون مهدی میامی، پرسـتو گلسـتانی، هوشـنگ قوانلو، قربان نجفی، بهناز بستان‌دوسـت، بهـاره نوحیان، گیلدا حمیدی، حامد زحمتکش و مهسـا باقری نیز همراه او هسـتند. اجرائی که ضد جریان کنونی تئاتر عمل کرده اسـت، بی‌هیچ چهره سینمایی، جانِ تئاتر را بار دیگر بر صحنه نشـانمان می‌دهد؛ نمایشی که همچون انقلابی که در آثار چخوف برپاست ضد بورژوا و علیه نوکیسگان عمل می‌کند و بی‌آنکه با بلیت‌های گران‌قیمت، خـودش را بر مخاطب تحمیل کند، توجه همگان را دیگر بار به کُنه هنر نمایش جلب می‌کند.

در این اجرا قرار نیسـت به سبک آتراکسـیون‌های وطنی کسی از سقف آویزان شـود یا روی صحنه آکروبات بازی کند، همه‌چیز در کمال سـادگی شکوهمند اسـت، با بازیگرانی که شـاید برایمان چهره‌های چندان آشنایی نباشند اما ماهرانه بازیگری روی صحنه را برایمان آشنایی‌زدایی می‌کنند. اگر حوصله دارید حدود یک‌سـاعت‌ونیم، با تئاتر ناب و اصیلی که سال‌هاست کمتر روی صحنه می‌آید مواجه شوید، این فرصت را مغتنم بشمارید و فورا از تیوال بلیت تهیه کنید و در سـاعت ۱۸ یکی از عصرهای زمستان خودتان را به تالار وحدت برسـانید. طراحی گریم این نمایش کار ماریا حاجیها است، طراحی پوسـتر هم هنر قباد شیواست و منوچهر شجاع نیز طراحی صحنه را عهده‌دار بوده اسـت. امـا اکبر زنجان‌پور در گفت‌وگو با «شـرق»، درباره تمایز این اجرا با اجرای ۲۹ سـال قبل می‌گوید: «آن سال‌ها همه‌چیز خیلی با امروز فرق داشت. حتما در این سال‌ها نگاه من هم تغییرات بسیاری کرده اسـت. آن زمان اولین‌بار بود که می‌خواسـتم از چخوف کاری روی صحنه ببرم اما حالا پنجمین‌بار اسـت که می‌خواهم چنین کنم، پس نگاهم نسبت به جهان نمایشـی چخوف نیز کامل‌تر شـده. ظرفیت‌هـای صحنه را بهتر می‌شناسـم و حاصل این تجارب حتما روی صحنه پیداسـت». «باغ آلبالو» در راسـتای جهان نمایشی و دراماتیک چخوف، حکایت یک انحطاط است. در «باغ آلبالو» بی‌اراده‌بودن و تسـلیم تقدیرشـدن آدم‌ها به‌خوبی مشهود اسـت؛ آدم‌هایی که حس درونی‌شان و شخصیت‌شان به‌خوبی به مخاطب منتقل می‌شـود، آدم‌هایی که هیچ تلاشـی برای تغییـر انجام نمی‌دهند و همین موضوع مخاطب را به‌شـدت عصبی می‌کند، ویژگی شـخصیتی هر فرد درواقع نشـان از وابسـتگی آنها به نسلی اسـت که به آن تعلق دارند، تاریخـی که زندگی آنها با آن درآمیخته اسـت و هیـچ‌گاه خود را جدای از آن نمی‌دانند.

اصـرار به روزمرگـی در کل نمایش دیده می‌شـود تا جایـی که اتفاق خاصی در نمایش مبنی بر تغییر و تحول دیده نمی‌شـود، شـخصیت‌ها در یـک خط موازی حرکـت می‌کنند و هیچ قهرمانی در داسـتان وجود ندارد کـه آنها را از این ورطه نجات دهد و در سرنوشـت آنها تغییری ایجاد کند. فقط لوپاخینی که معامله‌گر معرفی می‌شـود و در گذشته اجدادش از قشر فرودست جامعه بوده‌اند تلاشی در حد پیشنهاد به صاحبان باغ برای نجات این ملک انجـام می‌دهد که با توجه به عدم قدرت تصمیم‌گیری -خواهر و برادر (صاحبان ملک، خانم رانوسـکی و آقای گایف) آن هم بی‌نتیجه باقی می‌ماند و درنهایت این خود لوپاخین است که به این حرکت ایستا و ملال‌آور پایان می‌دهد و صاحب ملک اجدادی آنها می‌شود.

درواقع لوپاخین معامله‌گری است که از گذشته خود به‌نوعی جدا شده و امروز در هیبت و ظاهر تازه بر اشـرافی‌گری صاحبان باغ سایه انداخته است به‌گونـه‌ای که عاقبت باغ هم در دسـتان او رقم می‌خورد، کسـی که امروز ثروت و قدرت را در دست دارد همان کسی است که اجدادش نوکر صاحبان قدیمی باغ بوده‌اند و این همان تغییری است که در جامعه آن دوران روسیه اتفاق می‌افتد و صاحبان باغ به‌عنوان نماینده قشـر گذشته نمی‌توانند آن را درک کننـد هرچند درنهایت با ناامیدی تمـام آن را می‌پذیرند و نهایتا همه تقصیرها را گردن تقدیر می‌اندازند.

گفت‌وگو با محسن امیریوسفی

«آشغال‌های دوست‌داشتنی» نیاز امروز ماست

بهنـاز شـیربانی: محسـن امیریوسـفی بـار دیگر با «آشغال‌های دوست‌داشتنی» آماده حضور در جشنواره فیلم فجر بود؛ فیلمی که به نظر می‌رسد به مرور نمایش عمومی‌اش سـخت‌تر می‌شـود، به گره‌ای کور تبدیل شده است. با امیریوسفی درباره جشنواره سی‌وپنجم و حواشـی اخیرش و البته آخرین وضعیت «آشغال‌های دوست‌داشتنی» صحبت کردیم.

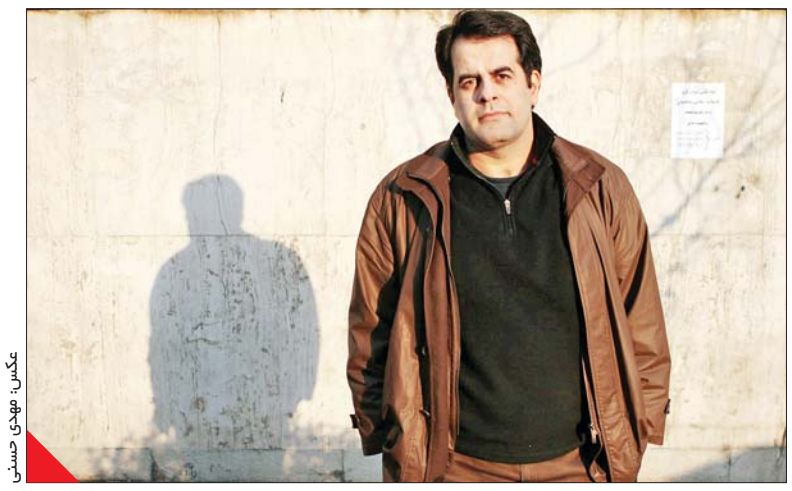

عکس: مهدی حسنی

بسیاری از اهالی رسانه و منتقدان در جشنواره، تقاضای نمایش «آشـغال‌های دوست‌داشتنی» را داشـتند که متأسـفانه اتفاق نیفتاد و ظاهرا مشکل نمایش این فیلم همچنان ادامه دارد، در این مدت واکنشـی از جانب مدیران دولتی نسـبت به فیلم داشتید.

هیـچ جوابی نگرفتـم! ولی از همه صـد منتقد و خبرنگار تشـکر می‌کنم و به‌خاطر اینکه هیچ جوابی از دبیر جشنواره نگرفتند، از همه آنها عذرخواهی می‌کنم، بالاخره روزی «آشغال‌های دوست‌داشتنی» به نمایش درمی‌آید.

ایـن چهارمین‌بـاری بود کـه فیلمتـان را در جشنواره ثبت‌نام کردید. چرا آن را رسانه‌ای نکردید و تابه‌حال دربـاره اتفاقاتی که در این چند سـال افتاده حرفی نزده‌اید؟

در این سال‌ها می‌خواستم در سکوت و باآرامش در پی احقاق حق فیلمم باشـم، ولی به قول یکی از مدیران قبلی جشنواره، امسال هیئت محترم انتخاب بالاخره ننگ نپذیرفتن «آشغال‌های دوست‌داشتنی» را پذیرفت و آن را به نام خودش ثبت کرد! این فیلم کاملا قانونی سـاخته شده و نزدیک چهارسال است کـه امید به اندکی تدبیر و اعتدال دارم، ولی اشـتباه بود! تابه‌حال در دولت اعتدال، درِ سـینما بر همان پاشنه دولت قبلی چرخیده است!

چهارسـال اسـت کـه می‌گویـم «آشـغال‌های دوست‌داشـتنی» فیلمی در جهـت گفت‌وگو، وحدت ملی و پرهیز از فضای دوقطبی در جامعه است؛ چیزی که نیاز امروز جامعه ماسـت، ولی تنها پاسـخی که از مدیران گرفتم، خانه‌نشـین‌کردنم بود! آن‌هم در بهترین سـال‌های زندگی کاری‌ام. شـاید همان سال ۹۲ وقتی اجازه ندادند هیئت انتخاب جشنواره، این فیلم را ببیند، باید آن را به جشـنواره‌های خارجی می‌دادم تا حداقل زحمات گروهی از بهترین عوامل سـینمای ایران دیده می‌شد، هنوز نمی‌خواهم قبول کنم که اشتباه کرده‌ام!

امسـال فیلم‌اولی‌ها حضور پررنگی در جشنواره داشتند و آثارشـان در کنار سایر بخش‌ها دیده شد، آثار فیلم‌اولی‌ها را چطور دیدید؟

در این شرایط تنها امید سینمای ایران فیلم‌اولی‌ها هستند که باوجود همه مشـکلات، فیلم‌های بسیار خوبی سـاختند، فیلم‌های اول چون عمدتا ریشه در جریان فیلم کوتاه دارند، از پشـتوانه غنی تکنیکی و محتوایـی برخوردارند که امید به احیای سـینمای ایران را بالا می‌برد.

انتقاداتی نسبت به انتخاب فیلم‌ها، سطح کیفی آثار و درنهایت داوری‌ها شـد که بسـیاری از این حواشـی همچنان ادامه دارد، امسـال نام بسیاری از دیگر فیلم‌سازان جریان‌ساز سـینمای ایران هم از حضور در جشـنواره حذف شد، به نظر شما تا چه حد برخی از این انتقادها به عملکرد هیئت انتخاب و داوری وارد است؟

همـه داوران از چهره‌هـای شناخته‌شـده و معتبر سـینمای ایران بودنـد و چون همه فیلم‌هـا را ندیدم، ترجیـح می‌دهم نظری ندهم، ولـی حجم اعتراضاتی که امسـال بـه مدیریت و داوری جشـنواره شـد، نام جشنواره سـی‌وپنجم را ماندگار کرد. ولی درباره هیئت انتخـاب، نپذیرفتن فیلم «کاناپه» آقای عیاری که غیر از داستان ساده و انسـانی‌اش، منحصربه‌فردترین تجربه سـینمای ایران در چهره‌پردازی بازیگران زن را نشـان می‌داد، اوج محافظه‌کاری و بی‌مهری بود. کاناپه باعث تحول سـینمای ایران در ارتباط هرچه‌بهتر و واقعی‌تر با فیلم‌های ایرانی می‌شـود. من دو فیلم «لِرد» آقای رسولف و «هجوم» آقای مکری و چند فیلم دیگر را هم ندیده‌ام، ولـی مطمئنم کیفیت این فیلم‌ها کمتر از اکثر فیلم‌های جشنواره امسال نبود و حضورشان جشنواره را گرم‌تر و جذاب‌تر می‌کرد.

بسـیاری معتقدند ضعیف‌ترین جشـنواره سـال‌های اخیر را پشت‌سر گذاشـتیم، نظر شما چیست؟

از نظـر مدیریتی تـا حدی موافقم، هرچند امسـال تعدادی فیلم خوب هم در جشنواره بود.

به‌زعم برخـی، محتوای بسـیاری از فیلم‌های امسال جشنواره تلخ بود، نظر شما هم همین است؟

این تلخـی در جامعه امـروز ایـران و نهایتا در سـینمای ما هم هسـت. این تلخی حاصل روحیه مردم و سـینمایی اسـت که خیلی وقت‌ها پاسـخ امیدواری‌اش را نمی‌گیرد.

«حجت امانی» سرپرست مؤسسه «صبا» شد

شرق: «حجت امانی»، به عنوان سرپرست مؤسسـه فرهنگی - هنری صبا وابسته به فرهنگستان هنر منصوب شد. حجت امانی، متولد لرسـتان و دارای کارشناسی‌ارشـد در رشـته پژوهـش هنر اسـت. او یکی از بزرگ‌ترین اسـتادان خطاطی ایرانی است. این هنرمند که نمایشگاه‌های متعددی در جهان برگزار کرده، این اقبال را داشت که منتقدان زیادی، ازجمله ادوارد لوسی اسمیت به بازدید از نمایشگاهش بیایند و بر آثارش نقد بنویسند. امانی در مقطعی از فعالیت هنری خود، تمرکزش را از هنرهای سـنتی به سمت هنرهـای جدید بُرد؛ تا جایی که مجلـه «آرت رادار» آمریکا درباره‌اش نوشـت: «او هنرمندی چندوجهی است که با مدیاهای گوناگون کار می‌کند؛ خواه نقاشـی یا عکاسی یا خوشنویسی و گاه ترکیب آنها. کارهایش برای مخاطبان قابل شناسایی و دارای هویت ایرانی‌اند و برخلاف بسیاری از هم‌نسلانش با نگاهی مثبت به فرهنگ ایرانی می‌نگرد». آثار او که در مرز نقاشی، عکاسـی، تصویرسازی و چیدمان ایسـتاده‌اند، گاه با هنر محیطی هم‌پوشانی دارند، گاه با پرفورمنس. روش هنری او را هم «پروسـس‌آرت» و «پسـانئوپاپ» نام‌گذاری کرده‌انـد. امانی هنرمندی اسـت که فرهنگ و تاریخ مملکتش ایـران را عامل اصلی رشـد و بالندگی خود می‌داند و این رویکرد در آثارش مشهود است.

آگهی

تاسیس شرکت سهامی خاص مهندسی ساخت و توسعه راه سازان آسیا در تاریخ ۱۳۹۵/۰۵/۳۰ به شماره ثبت ۴۹۶۹۶۴ به شناسه ملی ۱۴۰۰۶۰۹۵۶۰۵ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می گردد.ـ موضوع شرکت: انجام مشاوره فنی مهندسی از طریق مطالعات تئوریک و صحرایی و ساخت مدلهای ریاضی در زمینه های ساختمانی، آبرسانی و فاضلاب، کنترل کیفیت آب و انتشار آلودگی و ماشین های آبی، انجام خدمات مدیریت طرح و پیمان، ارائه خدمات پیمانکاری و مشاوره ای در زمینه های مختلف مهندسی، اجرای کلیه پروژه های عمرانی، پیمانکاری، ساخت و ساز، تاسیسات آبرسانی و حفاری و طراحی، ساخت و نصب و راه اندازی، تعمیر و نگهداری انواع تجهیزات اندازه گیری و ابزار دقیق و آزمایشگاهی، عقد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی ودولتی و خصوصی، شرکت در مناقصات و مزایدات دولتی و خصوصی، مشارکت در سایر شرکت ها از طریق تاسیس یا تعهد سهام شرکت جدید یا خرید یا تعهد سهام شرکت های موجود، اخذ وام و ت سهیلات ارزی و ریالی از بانک ها، سازمان ها، موسسات و شرکت های تامین کننده مالی داخلی وخارجی، انجام فعالیت های صنعتی مرتبط و هرگونه معاملات مجاز بازرگانی، صادرات و واردات کالا و خدمات و سایر امور و عملیاتی که به طور مستقیم و غیرمستقیم برای تحقق هدف های شرکت لازم و مفید بوده و یا در جهت اجرای موضوع شرکت ضروری باشد، ساخت ساختمانها و ابنیه صنعتی و عمومی اعم از چوبی، آجری، سنگی، بتنی و فلزی، محوطه سازی، دیوارکشی، اجرای پیاده روها و نظایر آن، ساخت راههای اصلی و فرعی، بزرگراهها، آزادراههای ریلی، باند فرودگاه، سیستم های انتقال هوایی پایه دار، تونل ها، پل ها، راه های زیرزمینی، سیستم های حمل و نقل و تهیه نصب نگهداری و تعمیر تجهیزات و راه داری و عملیات آسفالتی و نظایر آن و اجرای شبکه خطوط انتقال گاز شهری تاسیسات مکانیکی و هیدرومکانیکی سدها، سیستم های سردکننده ساختمان، تاسیسات و تجهیزات ساختمان (آب گاز برق فاضلاب) تاسیسات و تجهیزات تصفیه خانه های آب و فاضلاب کوچک، وسایل انتقال (آسانسور پله برقی) شبکه های رایانه ای ساختمان، ماسه پاشی (سند پلاست) حفاظت کاتودی پوشش (لاینینگ) و ایستگاه های پمپاژ آب و فاضلاب کوچک، ساخت بندها و سدها و ساختمان نیروگاه آبی، سازه های هیدرولیکی و تونل های آبی، مخازن آب و شبکه های توزیع آب، تاسیسات و تجهیزات تصفیه خانه های آب و فاضلاب بزرگ، خطوط انتقال آب، ایستگاههای آبیاری و زهکشی، سازه های دریایی و ساحلی، احداث حوضچه ها و استخرهای پرورش و تکثیر آبزیان و عملیات ساختمانی (سیویل، تصفیه خانه های آ و فاضلاب و نظایر آن، ساخت تاسیسات سرچاهی و خطوط لوله آب، پالایشگاه های نفت و گاز و کارخانه های پتروشیمی، مخازن ذخیره نفتی خطوط انتقال و گاز، تلمبه خانه های نفت و ایستگاه های تقویت فشار گاز سازه های دریایی نفت و گاز سازه های فلزی و نظایر آن، پس از اخذ مجوزهای لازم با رعایت قوانین و مقررات جاری کشور. ـ مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدودـ مرکز اصلی شرکت: یوسف آباد، خیابان شهید مهیار مهرام ـ کوچه ۴۲۱ ـ پلاک ۱۳ـ واحد ۱ کدپستی ۱۴۳۶۷۹۴۶۱۱ـ سرمایه شرکت: مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی که تعداد ۱۰۰۰ سهم با نام و سهم آن بی نام می باشد که مبلغ ۳۵۰۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۳۹۵۶۰/۲۵۵ مورخ ۹۵/۳/۳۱ نزد بانک ملت شعبه میدان احسان پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می باشد. ـ اولین مدیران شرکت: آرش اربابی کدملی ۰۰۷۸۴۸۳۲۶۳ به سمت نایب رئیس هیات مدیره و مدیرعامل ـ حسین طاهری کدملی ۲۲۹۸۱۵۸۲۷۴ به سمت عضو هیات مدیره ـ اصغر اربابی کد ملی ۱۳۷۵۵۵۵۰۷۳ به سمت رئیس هیات مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.ـ دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت به امضای مدیرعامل یا رئیس هیات مدیره هر کدام به تنهایی همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری به امضای یکی از اعضای هیات مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. ـ اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه - بازرس اصلی و علی البدل: قدس السادات سیدرسولی به شماره ملی ۱۳۷۷۹۰۹۳۶۰ به عنوان بازرس اصلی و محسن باباجان زاده به شماره ملی ۲۳۰۱۲۶۰۴۲۹ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.روزنامه کثیرالانتشار شرق جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد. م الف ۳۸۸۳۳۶ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت جهش ژرف آوید سهامی خاص به شماره ثبت ۴۷۴۴۱۸و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۰۲۷۹۳۵ به استناد صور تجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس : خیابان دکتر آیت خیابان ملایری نبش خیابان گلدار پلاک ۳۸ ط ۳ واحد ۱۱ کدپستی ۱۶۴۶۸۶۶۸۴۷ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.با ثبت این مستند تصمیمات تغییر محل (تغییر نشانی در یک واحد ثبتی) انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی های سازمان ثبت قابل دسترس می باشد. م الف ۳۸۸۳۳۷
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۸۱۹۳۹۷۹-۸۸۱۹۰۴۶۸

www.sharghdaily.ir

زیر آسمان فیروزه‌ای

برگزاری چهاردهمین جشن تصویر سال

بزرگداشت دلی برای «کیارستمی»

● **شـرق:** چهاردهمیـن جشـن تصویـر سـال و جشـنواره فیلم تصویر از یکم تا بیسـتم اسـفند در خانه هنرمندان ایران با توجه به بزرگداشـت عباس کیارسـتمی، رحلت آیت‌الله هاشمی‌رفسـنجانی و ماجرای پلاسکو برگزار می‌شود.

سـیف‌الله صمدیان، دبیر جشـن تصویر سـال، در نشسـت خبـری ضمن بیان مطلب بـالا، گفت: در اولیـن روز جشـن امسـال، بزرگداشـت عباس کیارسـتمی را برگـزار می‌کنیـم. البتـه قـرار بود بزرگداشـتی در سی‌وپنجمین جشـنواره فیلم فجر برای ایـن هنرمند بزرگ برگزار شـود کـه با توجه بـه جهانی‌بـودن عبـاس کیارسـتمی و حضـور شـخصیت‌های بین‌المللی فیلم‌سازی، این مراسم به بخش بین‌الملل سـی‌وپنجمین جشـنواره فیلم فجر که در اردیبهشـت سال ۹۶ در پردیس چارسو برگزار می‌شود، موکول شد.

او افزود: ما به‌خاطر همراهی عباس کیارسـتمی با جشن تصویر سـال و فیلم تصویر سال، به‌صورت دورهمی و دلی بزرگداشتی برای او برگزار می‌کنیم.

صمدیـان درباره بخش‌های گرافیـک، کاریکاتور و عکـس این دوره جشـن تصویر سـال، گفت: این بخش‌ها هرکدام در دو بخش آزاد و مسـابقه که به جوانان زیر ۲۵ سـال اختصاص دارد، برگزار می‌شود و در بخش کاریکاتور و گرافیک بخشی برای مدعوین در نظر گرفته شده اسـت که آثاری از پیشگامان این عرصه را به نمایش می‌گذاریم.

این هنرمند عکاس از اینکه جشـن تصویر سـال ۱۴ سال اسـت تداوم دارد، از آن به‌عنوان اتفاقی که کوچک نیست، یاد کرد و از همراهی خانه هنرمندان ایران گفت که بدون این حمایـت، این رویداد ادامه پیدا نمی‌کرد. او اظهار خوشـحالی کرد از اینکه این مکان با وجـود تغییر چهار مدیـر همچنان رویکرد خودش را که کاملا غیرسیاسـی است حفظ کرده و در مسیر بسیار درستی حرکت می‌کند.

بنـا بر اعـلام صمدیـان، بیش از ۴۰ هـزار فریم عکس به تصویر سـال ارسال شـده که سعی شده در انتخاب‌هایشـان نوعی آموزش اعمال شود، زیرا منظورشـان نخبگان نیسـتند، بلکه خوب‌های بالاتر از سطح متوسط در جشن تصویر سال حضور دارند.

صمدیان با اشـاره به مشـکلاتی ماننـد اتفاقات پیش‌بینی‌نشـده از جملـه رحلـت آیـت‌الله هاشمی‌رفسـنجانی و فاجعه پلاسکو که کارشان را عقب انداخته، گفت: برای اولین‌بار در جشـن تصویر سـال از عکاسان حرفه‌ای که شـبانه‌روز در نزدیکی فاجعه حضور داشـتند و عکاسـی کردند، خواستیم آثارشان را برای تصویر سال ارسال کنند، این کار برای حفظ حرمت عکاسی حرفه‌ای رسانه‌ای ایران انجام شد. طبقه اول خانه هنرمندان به نمایش عکس‌های این فاجعـه اختصاص دارد و در طبقـه دوم، دیگر عکس‌هـای خبری و عکس‌های مربـوط به رحلت آیت‌الله هاشمی نمایش داده خواهد شد.

همچنیـن صمدیان از کامبیـز درمبخش، هادی حیدری و حسـن کریم‌زاده به‌عنـوان اعضای هیئت داوری و انتخاب بخش کاریکاتور نام برد و گفت: در این بخش نیز از پیشگامان کاریکاتور آثاری به نمایش گذاشته می‌شـود. علاوه بر این، در بخش کاریکاتور نشـریات و روزنامه‌هـای ایران که توسـط «آروین» گردآوری شده است، صد کار از ۵۱ کارتونیست فعال مطبوعاتی روی دیوار می‌رود.

صمدیان همچنین از اسـماعیل عباسـی، شادی قدیریـان و ابراهیم نوروزی، اعضـای هیئت داوران و انتخاب بخش عکاسـی نام برد کـه در هرکدام از بخش‌های «ایران مـا» و «موبایلی» به ۱۰ نفر جایزه نقدی اهدا می‌شود.

سـیف‌الله صمدیان که یکی از اعضای شورای سیاسـت‌گذاری گروه سـینمایی «هنـر و تجربه» است، حدود سه سـال است با این گروه به کمک سـینمای بدنه آمده‌اند و خیلـی از فیلم‌هایی را کـه در نوبت اکران، امکان نمایش نداشـتند و در قالب و سـاختار رایج سـینما نبودند، در این گروه نمایش می‌دهنـد. این کار پیـش از آنکه در هنر و تجربه انجام شـود، از سـال دوم جشن تصویر سـال آغاز شده بود. جشن تصویر سال محل عبور گام‌های اولیه بسـیاری از فیلم‌سـازانی است که درحال‌حاضر برای خودشان نامی رقم زده‌اند و در جشنواره‌های جهانی حضور دارند.

بنا بر نظر او، سـه سـال اسـت بـا همکاری سـازمان سـینمایی علاوه بر بخش آزاد و جوان، بخش جشنواره جشـنواره‌ها را ایجاد کرده‌اند که در این بخش برای اولین‌بار تمام فیلم‌های برگزیده جشنواره‌های کشـور به نمایش گذاشته می‌شوند و علاقه‌مندان به مدت ۲۰ روز در دو سـئانس در سـالن ناصری فرصت دارند با ذهنیت کامل یک سال سینمای ایران آشنا شوند.

۲۱۶ اثر از بین آثار رسیده در این بخش انتخاب شـده اسـت. هیئت انتخاب بخش فیلـم، فیروز کلانتری، سـاعد نیک‌ذات، پریوش نظریه، مهدی باقری و مهـدی مختاری هسـتند، هیئت داوران را نیز کمال تبریزی، محسـن امیریوسفی و هومن بهمنش تشکیل می‌دهند. در این بخش به بهترین تصویـر نیز جایزه داده خواهد شـد، این کار با این هدف انجام می‌شـود که نشـان دهند در دنیای امـروز که انقـلاب دیجیتال همه‌چیـز را پیچیده کرده، تصویربرداری اهمیت بیشـتری پیدا کرده و بـا اینکه دوربین در اختیار همه اسـت؛ اما تعداد عکاسان کمتر شده است.